

## تحلیل مولفه های اجتماعی دانشنامه نگاری در ایران و کاربرت آن در دانشنامه جهان اسلام

سیداحمد حسین زاده<sup>۱</sup>، فرشته سپهر<sup>۲</sup>، زهره میرحسینی<sup>۳</sup>، بهرام پروین گنابادی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل و ارزش گذاری مولفه های اجتماعی دانشنامه نگاری در ایران و بررسی موردی آن در دانشنامه جهان اسلام است.

نوع پژوهش حاضر ترکیبی (کیفی و کمی) است؛ در بخش کیفی با تحلیل محتوای متون مرتبط مبادرت به گردآوری عوامل اجتماعی موثر در دانشنامه نگاری شد و در بخش کمی بوسیله پرسشنامه دلفی شده مولفه های مذکور براساس آرای ۲۷ نفر از صاحب نظران در حوزه دانشنامه نگاری، ارزش گذاری و اولویت بندی شدند. ابزار تحلیل اطلاعات در بخش کیفی، نرم افزار «مکس کیو دی ای»<sup>۵</sup> و در بخش کمی، نرم افزار «اس پی اس اس»<sup>۶</sup> است.

یافته های پژوهش منجر به ارایه ۱۸ مولفه اجتماعی در تولید دانشنامه شد که براساس آرای صاحب نظران ارزش گذاری و اولویت بندی شدند. توجه به موضوع علوم اجتماعی (خاصه تاریخ اجتماعی مسلمانان) و کاربرت آن در تولید دانشنامه جهان اسلام موجب تولید مقالات جدید در این موضوع شد بطوری تعداد ۱۵۰۶ مدخل معادل ۶ درصد از مدخل های دانشنامه جهان اسلام متعلق به این موضوع است که جزو ۸ نتایج جستجوی اول مخاطبان قرار گرفت.

نتایج پژوهش حاکی از آنست که به طور کلی، ظهور دانشنامه ها مبتین عرضه و تقاضای علمی در جامعه است که نهایتاً منجر به تحولات علمی - فرهنگی می شود. وجود نظام های پژوهشی در جامعه می تواند زمینه ساز تولید دانشنامه باشد. عوامل ایدئولوژیک، مواجهات انتقادی با مطالعات پیشین، تفاوت در دیدگاه و رویکرد در جامعه از عوامل اجتماعی موثر در تولید دانشنامه به شمار می آیند. در قرن اخیر نیز ظهور تخصص ها و افزایش کنجکاوی جامعه در باب پدیده های نوظهور، ظهور دانشنامه ها را سبب شده است.

**کلید واژه ها:** دانشنامه، علوم اجتماعی، دانشنامه نگاری، مدخل

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکترای علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال hoseinzadeh.۱۳۰۰@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، (نویسنده مسئول) fereshteh.sepehr@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال zmirhosseini@yahoo.com

<sup>۴</sup> استادیار گروه ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال p.bahram۴۷@yahoo.com

<sup>۵</sup> Max.Q.D.A

<sup>۶</sup> SPSS

مقدمه

در جامعه هر قدر کنجاوی زیاد شود سوال‌های بیشتری در اذهان شکل می‌گیرد و میل رجوع به کتاب و به‌خصوص کتاب مرجع بیشتر می‌شود چرا که این آثار پرسش‌های موجود در جامعه را به علمی‌ترین و موثق‌ترین شکل پاسخ می‌دهند. تبیین و درک دانشنامه بیشتر به الزامات اجتماعی- تاریخی مربوط می‌شود تا به عرصه‌های علمی دیگر (سیدعرب، ۱۳۹۰: ۷۸۲). رواج دانشنامه‌نویسی، واکنشی است به کنجاوی و هم‌راستا با علم‌کاوی جامعه، وجودشان بیانگر میزان تحقیقات انجام‌شده و به تبع آن نشانگر تجربه‌های بدست‌آمده است بطوریکه تولید علم بدون در اختیار داشتن دانشنامه‌ها، بی‌معنا است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲). از سویی دیگر نیز در جامعه‌ای که جریان تحقیق خیلی جدی نیست عموماً به دانشنامه‌نگاری به عنوان کاری بی‌آزار و بی‌ضرر به منظور گردآوری اطلاعات برای استفاده احتمالی در روز مبادا، نگریسته می‌شود! (قاسملو، ۱۳۸۲: ۵۹).

دانشنامه، حافظه تاریخی یک قوم است که با توجه به مدارک و مستندات، آرمان جوامع را تحقق می‌بخشد. در قراردادهای اجتماعی، کنش حاصل از تمرکز بر میراث تمدنی در قالب دانشنامه‌ها پدیدار شده است. البته قرائت عصری از این میراث، هویت دوگانه به آن بخشیده، زیرا مرجع زمانی آن، «گذشته» است، اما در «حال»، مخاطب می‌کند. امروزه در جوامع دانشنامه‌ها فراگیر شده و ویژگی‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. همچنین رجوع به آنها به رغم مصداق‌ها و تفاوت‌های گوناگون و تفوق اطلاعات بر معرفت، موجب جمعیت ذهن از پریشانی شده و اگر این مزیت که برآمده از خصوصیت دانشنامه‌نگاری است، کمترین سود آن باشد، یکی از بزرگترین اهداف اجتماعی را محقق کرده است چراکه به بازبینی گذشته و ابداع آینده می‌اندیشد و با تجاوز به گذشته و حصر آینده، حال را متشخص می‌کند.

از تأملات مهم در زمینه دانشنامه‌نگاری، می‌توان به دلایل و انگیزه‌های اجتماعی شکل‌گیری این منابع اشاره کرد. آیا دانشنامه‌ها دارای الزامات وجودی هستند یا تنها به اکتفای صرف جمع‌آوری اطلاعات با رعایت اصول کلی دانشنامه‌نگاری تولید می‌شوند؟ برای تألیف اصولی دانشنامه ضروری است تصویر درستی از فلسفه وجودی آنها در دست باشد و جایگاه و کاربردشان را در جامعه مورد توجه قرار داد. چرا که هر تولیدی نیازمند آگاهی از دلایل و الزامات وجودی آن است. دانشنامه‌نگاری نشانه تحول فرهنگی و زاینده نیاز جامعه به یافتن اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن است. زمانی ضرورت آن احساس می‌شود که نخست: رشد اطلاعات و دانش‌ها به حدی برسد که آگاهی از آنها برای جامعه مقدر نباشد و لازم باشد به طریقی جامعه و به ویژه پژوهشگران و محققان را به سرچشمه‌های اطلاعاتی هدایت کرد. دوم، نگاه علمی بر تدوین این نوع آثار در جامعه تثبیت شده‌باشد، چنانکه مخاطبان با اعتماد به صحت مطالب و علمی بودن اطلاعات به آن مراجعه کنند. سوم، ضرورت مراجعه به این آثار برای دسترسی به منابع اصلی اطلاعات برای مخاطبان روشن و مسلم شده باشد (مقدسی، ۱۳۸۳: ۴۸). در طراحی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دانشنامه، به دانش و تجربه گسترده‌ای در زمینه دانشنامه‌نگاری نیاز است و برای اجرای درست سه

اصل یاد شده، کسب اطلاعات فنی، دانستن ویژگی‌ها و آشنایی از کاربرد آنها بایسته و ضروری است. متغیرهای مؤثر دیگری مثل «برآورد دقیق از نیازهای علمی جامعه»، «مشخص کردن کاربردهای اثر» و «ثبات در مدیریت آنها» لازم است از آغاز در نظر گرفته شود. چرا که می‌تواند دانشنامه را در مسیر اصلی، یا مسیری که برای آن در نظر گرفته شده است، نگه دارد. دانشنامه‌ها به عنوان یکی از زیرساخت‌های تحقیق و پژوهش، آموزش و نشر به شمار می‌آید و در انتها می‌تواند به سرمایه ملی بدل شود (آذرنگ، ۱۳۸۹: ۲۴۳). امروزه دانشنامه‌ها و مولفه‌های اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند و ضروریست از این حیث مورد بررسی و نقد قرار گیرند.

### بیان مسئله

به علت گستره موضوعی وسیع دانشنامه‌ها، بررسی و پرداخت کلی آنها مشکل می‌نماید و یا اگر هم شاهد پژوهشی در این باره باشیم به نظر می‌رسد که از تعمق و اتقان کافی برخوردار نباشد؛ چراکه دانشنامه‌ها (خصوصاً نوع تخصص آنها) محمل موضوعات تخصصی بسیاریند و لذا بررسی همه جانبه آنها مستلزم داشتن چندین تخصص است که امروزه حصول و احراز جامع‌العلمی امریست بعید و مشکل. لذا بررسی دانشنامه‌ها از منظر یک تخصص در قالب پژوهش امریست شدنی و هدفمند. اگر از بُعد اجتماعی و جامعه‌شناختی به دانشنامه‌ها بنگریم، برخی از تأملات در این حوزه را می‌توان بصورت مطلوب وارسی. بسیاری از پژوهش‌هایی که امروزه درباره دانشنامه‌ها سراغ داریم محتوایی و یا ساختاری هستند و دانشنامه‌های فلسفه وجودی آنها کمتر از جنبه‌های اجتماعی واری شده‌است که ریشه در وجهی، مغفول مانده، در نگاه به چنین پدیده‌ای دارد که این غفلت در نقد، بررسی و اصلاح آنها اثرگذار خواهد بود. به نظر می‌رسد رابطه‌ای دوسویه بین جامعه و دانشنامه‌ها برقرار باشد به این صورت که آنها محصول کنش علمی جوامع هستند و براساس تقاضاهای علمی جامعه شکل گرفته‌اند و همچنین عرضه دانشنامه باعث بروز تقاضای علم‌محور در جامعه خواهد شد. لذا در این پژوهش ضمن بررسی اجمالی الزامات اجتماعی و محیط‌شناختی تولید دانشنامه، پاسخ به سه سوال را پویا هستیم: ۱. مولفه‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی در تولید دانشنامه کدامند؟ ۲. ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی این مولفه‌ها به چه ترتیب است؟ و ۳. کاربرست تأملات اجتماعی در *دانشنامه جهان اسلام* به چه صورت است و چه مزایایی دارد؟

### روش‌شناسی

نوع پژوهش حاضر، ترکیبی (کیفی و کمی) است که در بخش کیفی با تحلیل محتوای متون مرتبط با موضوع پژوهش مبادرت به گردآوری مولفه‌های عوامل اجتماعی دخیل در دانشنامه‌نگاری شده‌است و در بخش کمی بوسیله پرسشنامه، مولفه‌های

مذکور ارزشگذاری و اولویت‌بندی شدند و همچنین بوسیله داده‌شماری از طریق نرم‌افزار دریچه<sup>۱</sup> مبادرت به استخراج اطلاعات آماری مدخل‌های حوزه «تاریخ اجتماعی» دانشنامه جهان/اسلام شده‌است. ابزار تحلیل اطلاعات در بخش کیفی نرم‌افزار تحلیل کیفی «مکس کیو دی ای»<sup>۲</sup> است و در بخش کمی داده‌ها بوسیله نرم‌افزار «اس پی اس اس»<sup>۳</sup> پردازش شدند. تحلیل محتوای متون مرتبط با موضوع پژوهش<sup>۴</sup> که منتج به گردآوری ۲۱ مولفه‌های اجتماعی در خصوص دانشنامه‌نگاری شد پس از سه دوره دلفی توسط اساتید گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی که در خصوص کتب مرجع دارای تخصص بودند به ۱۸ مولفه کاهش یافت سپس جهت ارزش‌گذاری و تعیین اهمیت آنها توسط پرسشنامه در اختیار ۲۷ صاحب‌نظر در حوزه دانشنامه‌نگاری در ایران قرار گرفت. طریقه انتخاب صاحب‌نظران مذکور بوسیله کتابسنجی و بررسی سابقه دانشنامه‌نگاری آنها بود به این صورت که کسانی به عنوان صاحب‌نظر لحاظ شدند که صاحب این مشخصات بودند: ۱- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی دکترا یا دارای مرتبه دانشجویی، ۲- دارا بودن سابقه دانشنامه‌نگاری، ۳- تالیف حداقل ۴ عنوان کتاب و یا ۲۰ مقاله.

#### چارچوب نظری (تحلیل مولفه‌های اجتماعی در دانشنامه‌نگاری)

دانشنامه‌ها تجلی جهان‌بینی جوامع هستند و بسیاری از پاسخ‌ها از آن بدست می‌آید (حرّی، ۱۳۷۷، ص ۸-۹). تدوین و تألیف آنها، سطح دانش و پژوهش را متری می‌کند و باعث پویایی جریان دانش در جوامع علمی می‌گردد. دانشنامه بر سایر منابع مرجع تأثیر مستقیم می‌گذارد و به سان موج در عرصه پژوهش موج‌های دیگری را برمی‌انگیزاند. (آذرنگ، ۱۳۸۹: ۲۲۱). دانشنامه‌نگاری متکی به پژوهش‌های انجام‌شده در جامعه است به این صورت که اطلاعات مبتنی است بر یافته‌های پژوهش؛ یعنی در جامعه ابتدا باید یک نظام پژوهشی وجود داشته باشد، در حوزه‌هایی که نیازمند تحقیق است پژوهش‌ها و مطالعات انجام گیرد و سپس نتیجه این مطالعات و تحقیقات به اطلاعات قابل اعتماد تبدیل و پس از آن به حجمی بالغ شود که ما را ناگزیر به تولید دانشنامه کند (قاسملو، ۱۳۸۲: ۶۲). اگر تألیف دانشنامه را از حوزه کتاب و دانش کنار بگذاریم عملاً جامعه را از دستیابی سریع و آسان به اطلاعات موثق محروم کرده‌ایم. به اضافه اینکه دانشنامه‌ها در کنار آرایه اطلاعات، مرجع مفیدی برای معرفی مأخذ نیز هستند. (طارمی‌راد، ۱۳۷۷: ۱۲).

دانشنامه‌نگاری با نگاه معطوف به حفظ میراث، از دیگر عوامل سبب‌ساز تولید این آثار در جوامع به شمار می‌آید. برای مثال در زمان حکمرانی مغول‌ها روی آوردن عده‌ای از نویسندگان به دانشنامه‌نگاری، در واقع به منزله کوششی برای محافظت از میراث برجای مانده بود که در پی ویرانی شهرها و طعمه آتش شدن کتاب‌ها، شمار بسیاری از عالمان و ادیبان با استفاده از منابع و

<sup>۱</sup> سیستم جامع اتوماسیون مدخل‌های بنیاد دایره‌المعارف اسلامی

<sup>۲</sup> Max.Q.D.A

<sup>۳</sup> SPSS

<sup>۴</sup> مندرج در بخش چارچوب نظری پژوهش حاضر

مأخذ برجای مانده، دانشنامه‌های پرجمعی عرضه‌کردند و بدین شیوه میراث فرهنگی گذشتگان را از نابودی کامل رهایی بخشیدند. در واقع براساس این نظر، یکی از علل دانشنامه‌نگاری کمبود منابع یا بیم از کم‌شدن یا نابودی منابع بوده‌است. علت دیگر دانشنامه‌نویسی، نه معلول کمبود کتب و یا بیمناکی از نابودی آنها، بلکه به عکس، حاصل وفور منابع است و همین کثرت منابع بود که گروهی را به فکر اقتباس از آنها و تلخیص مکتوبات گذشته به صورت نظام‌مند انداخت (رودگر، ۱۳۸۵: ۵۸-۵۹). شایان ذکر است در این باره روزنتال<sup>۱</sup> و ابن‌خلدون، نظری مخالف دارند به این صورت که پدیدآمدن این آثار حجیم (دانشنامه‌ها) قابل ستایش نیست چون عمر یک دانشمند صرفاً برای مطالعه این همه آثار کافی نیست چه رسد به تحلیل و تلخیص آنها. بر اساس این نظر، دانشنامه‌نگاری کاریست غیرسودمند و حتی زیان‌آور! (روزنتال، ۱۹۴۷: ۶۰-۶۳ و ابن‌خلدون، ۱۳۸۴: ۱۳۵۲). حالات فوق، قابل تعمیم به روزگار کنونی نیز است؛ با انتشار فراوان منابع که از آن با تعبیر امروزی «انفجار اطلاعات» یاد می‌شود ضروری است مفاهیم و مباحث هر علمی به صورت موجز و مختصر بوسیله دانشنامه‌ها عرضه‌شود. لذا مواجهه دانشنامه با دانش به شدت تقلیل‌گرایانه<sup>۲</sup> است. آشکار است که وقتی برای یک موضوع به دانشنامه مراجعه می‌کنیم، نمی‌توانیم به آن موضوع در عمق و گستره‌ای که باید، دست یابیم. به عنوان مثال نمی‌توان آثار کثیر و عمیق افلاطون و ارسطو را در حدّ یک مقاله خلاصه‌کرد و مدعی‌شد که هر چه آنها می‌گویند، همین است. بنابراین تقلیل‌گرایی یک حقیقت مسلم دانشنامه‌نویسی است و به هدف انتخاب مضمونی و انتخاب گزینه‌های مهم صورت می‌گیرد تا به ما فرصت رسیدن به دانش برتر را بدهد. اگر غرق در جزئیات شویم به آن دانش برتر دست نمی‌یابیم. در دانشنامه، گونه‌ای بافت‌زدایی<sup>۳</sup> نیز صورت می‌گیرد یعنی پدیده‌هایی کنار هم قرار می‌گیرند که به طور طبیعی کنار هم نیستند؛ به عبارتی دیگر اندیشه‌هایی که در فضاها مختلف تولید شده، شبیه یک موزه با برهم زدن تمام نسبت‌های تاریخی و جغرافیایی در کنار هم به شکلی قرار می‌گیرند که امکان یک نگاه تازه به آنها پدیدآید. بافت‌زدایی با این هدف صورت می‌گیرد که اسیر بافت کلاسیک علوم نشویم و بتوانیم در موقعیتی بیرون از بافت با این دانایی مواجه شویم (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۵). امروزه به موازات خود دانش، نظام‌های سازمانده دانش نیز به سمت تخصصی‌شدن حرکت کرده‌اند. جریان تخصصی‌شدن را می‌توان در چهارچوب توده‌زدایی ذهن و اندیشه بشر در جامعه تبیین کرد و به تبع آن دانشنامه‌ها نیز با این توده‌زدایی اجین شده و امروزه کمتر به دنبال ترسیم کل دانش موجود در جامعه‌اند. این جریان تخصصی‌شدن را در چهارچوب «توده‌زدایی» ذهن و اندیشه بشر نیز می‌توان تبیین نمود (تافلر<sup>۴</sup>، ۱۳۸۵: ۵۶).

<sup>۱</sup> Franz Rosenthal

<sup>۲</sup> reductionist

<sup>۳</sup> decontextualization

<sup>۴</sup> Toffler

دانشنامه به‌عنوان تنها ابزار دانش‌شمول سازمانده دانش - که می‌تواند دید کلی به موضوعی خاص بدهد و آغازگری برای ادامه مسیر دانستن باشد - در اجتماع نقش مهمی دارد. دانشنامه روزنه‌ای به هستی نیست و نمی‌توان تا نقاط بسیار دوردست هستی را از آن دید، بلکه پنجره‌ای رو به هستی است؛ دیدی به عمق اقیانوس ندارد، اما دیدگاهی به وسعت اقیانوس می‌تواند داشته‌باشد. مقاله دایره‌المعارفی نه ادعای خودبسندگی دارد و نه داعیه کمال، بلکه آغازی است برای پیمودن راهی با منزل‌های متعدد و مقصدی که خود عرصه‌ای بسیار پهناور و ژرف است. به همین دلیل، به آن کسی که قصد دارد شمه و شمایی از مطلبی بداند مقاله‌ای دایره‌المعارفی را معرفی می‌کنند (حرّی، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۰۹). بنابراین دور از واقعیت نیست اگر بگوییم دانشنامه به‌عنوان ارایه‌کننده دانش، در عصر توده‌زدایی ذهن و اندیشه‌اهمیتی خاص یافته‌است. دانشنامه‌ها وحدت و یکپارچگی حاکم بر هستی را بازنمایی می‌کنند و از این حیث در بهتر اندیشیدن سهیم‌اند. از دانشنامه‌گونه‌های دیروز تا ویکی‌پدیای امروز همگی تلاشی در این سمت و سو بوده‌اند. امروز حتی شاخه‌های بسیار ریز علوم آنقدر از دانسته‌ها فرجه شده‌اند که «همه‌چیزدانی» در آنها نیز دشوار می‌نماید یا شاید هم غیرممکن شده‌است. از سوی دیگر، دورافتادگی این شاخه‌ها از دانسته‌های همجوار و همبافت خود، یعنی دانسته‌هایی که در شکل‌گیری و قوام آن دخیل بوده‌اند، یکی از پیامدهای تخصص‌گرایی موجود در جوامع حاضر است.

دانشنامه همانند یک دانشگاه هم علم آموز است و هم منشأ تولید علم. به همان اندازه که در دانشگاه شاخه‌های مختلف علوم دست در دست هم می‌دهند برای به وجود آمدن یک علم، دقیقاً دانشنامه هم همین گونه است. تفاوت این دو تنها در معیار و نوع رسانه است. نحوه رسیدن به علم در دانشنامه به صورت مکتوب است و در دانشگاه چهره به چهره، ولی یک هدف را دنبال می‌کنند؛ بالندگی و دانایی بشر (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۵). دانشنامه همزاد خردگرایی، فردگرایی و انسان‌گرایی عصر روشنگری بود. «مقاله» به‌عنوان واحد سازنده دانشنامه، جلوه‌گاه و نماد خرد فردی است که در دانشنامه با دیگر خرده‌های فردی پیوندی معنادار می‌یابد و در اجتماع در خدمت آموزش و تعالی انسان قرار می‌گیرد. این ویژگی را در تبیین‌های نظری دانشنامه در قرن هفدهم و هجدهم به‌وضوح می‌توان دید. تحول معرفت‌شناختی‌ای که در نتیجه دگرگونی نگاه انسان به جهان ایجاد شد از مهم‌ترین ارکان این تفکر بود که از حیث دانشنامه‌نگاری نیز اهمیت دارد. انسان عصر روشنگری، که شیفته دستاوردهای علمی خود شده و مطمئن به ظرفیت‌های ذهن تازه قوام‌یافته‌اش بود، تلاش کرد برای جهان طرحی نو دراندازد. جمع‌آوری دانش پراکنده و ارایه علمی و منسجم آن با هدف تعلیم جامعه و نیز انتقال به نسل‌های بعدی، از اصول و فصول این تلاش بود (براون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۲۴۳). دور از واقعیت نیست اگر بگوییم دانشنامه‌ها نوعی تجلی شیفتگی بشر به دانش خود بوده‌اند. از دانشنامه‌های قدیمی گرفته تا دانشنامه‌هایی که محصول عصر مدرن‌اند، همگی تلاش‌هایی بوده‌اند برای بازنمایی دانش در اجتماع؛ اما ریخت و ساخت این

<sup>۱</sup> Bown

بازنمایی در سیر تحول اندیشه دگرگون و متکامل شده است. جالب توجه آنکه در آستانه قرن بیست و یکم و در کهنکشان اینترنت نیز، که اطلاعات دیجیتال بر همه شئون زندگی سایه افکنده و پرداختن به معرفت‌شناسی دیجیتال را ضروری کرده، ذهن انسان برای بازنمایی دانش، خواسته یا ناخواسته، به سمت ابزاری رفته که از جنس دانشنامه است: ویکی‌پدیا، تبلور اجتماعی تولید دانشنامه.

با دانشنامه‌نگاری به نحوی تعمیم دانش از سطح نخبگان به سطح عموم روی می‌دهد. دانشنامه‌ها امکان فهم دستاوردهای بشری را در جامعه فراهم می‌آورند، به این معنا که مثلاً اینشتین «نظریه نسبیت» را مطرح می‌کند و این نظریه برای فیزیکدان‌ها قابل فهم است. اینشتین نظریه خود را در مقاله‌ای با زبانی سنگین خلاصه می‌کند، بعد آن را به شخص دیگری می‌دهند و او آن را روان و قابل فهم می‌کند و در دانشنامه چاپ و به عموم عرضه می‌شود. در عالم اسلام محدودیتی برای تحصیل دانش نداشته‌ایم و هرکسی از هر روستایی می‌توانست در پی تحصیل علم برآید. اما در جهان غرب، در گذشته، دانش بیشتر در دسترس دربارها بود و همگان نمی‌توانستند وارد این عرصه شوند. دانشنامه‌نگاری، چنان‌که ویل دورانت اشاره می‌کند، اعتراضی به آن جریان نیز بوده است و دانشنامه‌ها دانش را در سطح عموم مردم تعمیم داده‌اند. بنابراین دایره‌المعارف‌ها، قالبی برای عرضه دستاوردهای علمی، تعمیم دانش و ارتقای سطح دانش در کل جامعه بشری است و خود به لحاظ محتوایی موضوعیتی ندارد. (طارمی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۰۷).

تفاوت نگرش اجتماعی انسان نسبت به پیشینیان می‌تواند موجب ظهور دانشنامه‌نگاری شود. برای مثال نگرش انسان قرن ۱۹ در قبال خودش، طبیعت و ... با نگرش انسان‌های قرون پیش از او متفاوت بود. دانشنامه، مخاطبان را با میراث علمی گذشتگان آشنا می‌کند و ضمن گسترش، به روز رسانی، تکمیل و ویرایش انواع مشابه قدیمی، پژوهش را با نگرشی جدید از همان جایی ادامه‌دهد که پیشینیان به آنجا رسانده‌اند. در عین حال باید توجه داشت که ویرایش‌ها، هر کدام مکمل دیگری است و با رجوع به یکی نمی‌توان از دیگری بی‌نیاز شد. (قاسملو، ۱۳۸۴: ۷۰). در برخی حالات، تفاوت در دیدگاه‌ها، رویکردها موجب مواجهه انتقادی و تلاش برای ارائه معلومات موثق در مقابل تألیفات غرض‌ورز در قالب دانشنامه می‌شود. به علت برّی نبودن برخی از دانشنامه‌ها از انحراف که همواره رگه‌هایی از تمجید، غرض‌ورزی، حب و بغض و لقب‌سازی در آنها مشاهده می‌شود (عموماً در مباحثی که جنبه متافیزیکی و اعتقادی دارد) می‌تواند این پدیده را موجب شود. برای مثال دولت‌های استعمارگر به شناخت نظام‌مند و دایره‌المعارفی از فرهنگ و تمدن مستعمره خود (به منظور اجرای اهداف استعماری) نیاز ضروری داشتند که این خود قرینه‌ای است بر این که اهداف صرفاً علمی در طراحی این دانشنامه‌ها وجود نداشته است. (اسعدی، ۱۳۸۱: ۱). رویکرد بی‌طرفانه در تألیفات دانشنامه‌ای یکی از بارزترین صفات در بین انواع منابع است و اگر مولفان دانشنامه‌ای از انتخاب و طرح یک نظر قابل اعتنا به طور عمدانه بگذرند، اثر آنان از اعتبار و معیار کافی برخوردار نخواهد بود (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۹). نویسنده

مقالات دانشنامه بر آن است پیشینه یک موضوع و تحولات و فراز و فرودهای مباحث و اعلام را به درستی بکاود و ابعاد آن را تبیین کرده و همچون پژوهش‌های میدانی و پدیدارشناسانه<sup>۱</sup> (و نه بصورت هنجاری) اطلاعات را بی هیچ داوری شخصی و اظهار نظرهای موجود در اختیار جامعه قرار دهد. به بیان دیگر، نویسنده بدون دخالت تعصباتش به بیان واقعیت مبادرت می‌ورزد بطوری که دانسته‌ها و باورهای پیشین دخالت و تأثیری بر داوری و قضاوت نویسنده ندارند و پیوسته واقعیت آنگونه که هست در پرتو شواهد عقل پسند و قابل اثبات و انتقال به دیگری، ابراز می‌شود.

اگر در تحلیل وقایع، انگیزه‌های روانشناختی و اجتماعی در تألیف دانشنامه را مدّ نظر قرار دهیم، دانشنامه‌نویسی در جوامع قدیم مقتضای نوعی جاه‌طلبی عالمانه نیز بوده است. برای مثال آورده‌اند برخی از ادباء مرتبه علمی و جایگاه خود را چنان بلند می‌دانستند که حتی در برابر ولی نعمت خود سرگران کردند و البته به تاوان همین کار از کار دیوانی برکنار و زندانی و تبعید شدند. پس بی‌جا نیست اگر آنها بخواهد قابلیت‌های علمی خود را به رخ بکشد و با این اثر نام خود را جاودان سازند. البته در کنار مسایل خصلتی، از نوع تربیت علمی این نویسندگان نباید غافل بود. آنها عمدتاً ادیب بودند و با تکیه بر دانش ادبی و با بهره‌گیری از تجارب خود سرانجام آثاری حجیم، متفاوت و ماندگار دانشنامه‌گونه عرضه کردند. (رودگر، ۱۳۸۵: ۶۲). بر اساس روایات برخی دانشنامه‌ها بنا به امر حاکمان و أمرا و پیشکشی به آنها تألیف و گردآوری می‌شد. در دانشنامه علائی، لقب علائی اشاره به حاکم [اصفهان] کاکوبه، علاءالدوله محمدبن رستم دارد و او همان کسی است که ابن‌سینا بعنوان وزیر به او خدمت کرده‌بود. ابن‌سینا در مقدمه کتابش می‌گوید، وجیزه خود را به فرمان امیرش نوشته بود. مثال دیگر، فخرالدین رازی است که کتاب ستینی‌اش را که جامع‌العلوم نام گرفت و به ابومظفر، سلطان خوارزمشاه، اهدا شد (فان اس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱۹-۳). مثال دیگر، جوامع‌العلوم اثر ابن‌فریغون است که آن را برای امیر ابوعلی احمدبن محمد چغانی تألیف کرد و همچنین مفاتیح‌العلوم از ابو عبدالله محمد خوارزمی، که آن را برای ابو الحسن عیبالله، وزیر نوح بن منصور سامانی تألیف کرد. شمس‌الدین آملی نیز دایره‌المعارف نفایس‌الفنون فی عرایس‌العیون را نوشت و این اثر را به ابواسحاق اینجوی، حاکم شیراز، تقدیم کرد. در چین، روم، اسپانیا و فرانسه نمونه‌هایی از این دست به چشم می‌خورد و حتی برخی از پادشاهان و حکما نیز خود بنیان‌گذار و سرپرست تدوین دانشنامه بودند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۱). برای مثال در قرن معاصر نیز *بریتانیکا* (ویرایش ۲۰۰۲) به جورج بوش<sup>۳</sup>، رئیس‌جمهوری ایالات متحده و ملکه الیزابت دوم تقدیم شد. چنان‌که در ۱۹۷۴، در ویرایش پانزدهم این دایره‌المعارف به نام همین ملکه و نیز رئیس‌جمهوری، رونالد ریگان<sup>۴</sup>، اشاره شده بود. (فان اس، ۲۰۰۶). در ترجمه *دایره‌المعارف اسلام*، هیئت ویژه ترجمه عربی در الازهر مصر، به فرمان ملک فاروق تشکیل شده و جلد اول

<sup>۱</sup> phenomenological Approach

<sup>۲</sup> Josef van Ess اسلام‌شناس آلمانی و استاد دانشگاه توپینگن

<sup>۳</sup> George W. Bush.  
<sup>۴</sup> R. W. Reagan



ویراست عربی آن منقش به عکسی از این مقام بود (اقبال، ۲۰۱۱: ۵۰-۳۳). تألیف *دانشنامه جهان اسلام* نیز بنا به صلاحدید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای ایجاد شد و ایشان نیز به عنوان رییس عالییه بنیاد دایره‌المعارف اسلامی متولی این اثر هستند (حدادعادل، ۱۳۸۲: ۷-۳۶).

پدیدآمدن علوم جدید، بروز تخصص‌ها در جوامع علمی و افزایش علاقه به دانستن در باب پدیده‌های نو ظهور، الزام تألیف دانشنامه‌های تخصصی را سبب می‌شود. بنابراین نقشی که سابقاً دایره‌المعارف‌ها به عنوان مروج دانش عمومی داشتند اکنون مطلقاً ندارند و رسانه‌های دیگر مثل اینترنت آن را انجام می‌دهند. پس باید بحث را به سمت دانشنامه‌های تخصصی هدایت کرد و چون اتوریتته صاحب‌نظر باید دانشنامه مورد نظر را بنویسد. بنابراین مرزهای ملی و جغرافیایی در کتاب‌ها و مراجع علمی هیچ معنایی ندارد (آذرنگ، ۱۳۷۷: ۱۰-۹). برای رشد دانش‌های تخصصی یکی از راه‌ها، تولید دانشنامه‌های تخصصی است. باز هم در حوزه دانشنامه به طور خاص به نظرمی‌آید که هم برای تعمیم دانش و هم انتقال تجربه‌ها، به دانشنامه نیاز است. فرقی که دانشنامه‌های امروزی با دانشنامه‌های چند دهه پیش دارند، اینست که اینها علاوه بر دادن یک اطلاع عام و دقیق درباره یک موضوع، مأخذی را معرفی می‌کنند که این مأخذ راهگشای محققان برای دسترسی به اطلاعات بیشتر است. (طارمی‌راد، ۱۳۷۷: ۱۲).

عصر انقلاب الکترونیک و دیجیتال، دانشنامه‌ها را متحول کرده‌است؛ در دهه اخیر، رواج سبک جدید «ویکی» در نگارش دانشنامه براساس خرد جمعی جوامع بشری از عوامل سبب‌ساز دانشنامه‌نگاری محسوب می‌شود. افزایش حجم اطلاعات از یک سو، کاهش زمان آماده‌سازی و انتقال، نیاز به بازیابی‌های سریع و جابجایی اطلاعات از سویی دیگر و نیز ارزانی، تأثیرهای خود را بر انتشار دانشنامه گذاشته‌است. (آذرنگ، ۱۳۸۹: ۲۳۰). بر خلاف قدیم که دانشنامه‌ها محصول نبوغ فردی عالمان و دانشمندان بود، امروز به‌کارگیری خردجمعی در تألیف دانشنامه باعث پدیدارشدن آنها در فضای مجازی با سبک و روشی نو شده است. اگر از بطن دو نظام بزرگ معرفت‌شناختی مدرن، یعنی روشنگری و پوزیتیویسم، دانشنامه خودنمایی کرد، ویکی‌پدیا را نیز می‌توان یکی از مظاهر معرفت‌شناسی دیجیتال و زاینده انقلاب الکترونیک دانست. ویکی‌پدیا شکل‌دیگری از مقاله را ارائه داده‌است که شاید بتوان آن را دگرگونه‌ای از فردگرایی اجتماعی نامید، اما مسلماً نماد خرد فردی نیست، بلکه خرد جمعی بر آن حاکم است. از بُعد انسان‌گرایانه هم به‌رغم پنداشت‌های اولیه، ویکی‌پدیا پیامدهای معرفتی درخور توجهی برای انسان دارد. ویکی‌پدیا نیز همچون سایر نمونه‌های شاخص دانشنامه، نوعی تجلی رویکرد و نیاز جامعه به سازماندهی و دسترسی به دانش است؛ جامعه‌ای که در اطلاعات دیجیتال محصور شده‌است (فالیس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

<sup>۱</sup> Fallis

یافته‌ها و پاسخ به سوالات پژوهش

در پاسخ به سوال اول و دوم پژوهش مبنی بر ۱. مولفه‌ها و زیرساخت‌های اجتماعی در تولید دانشنامه کدامند؟ و ۲. ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی این مولفه‌ها به چه ترتیب است؟ یافته‌های ذیل حاصل شد:

جدول ۱. آماره‌ها و ارزش‌ویژه مولفه‌های اجتماعی در دانشنامه‌نگاری براساس نظر جامعه‌آماري

ردیف	شاخص‌ها و مولفه‌های اجتماعی در دانشنامه‌نگاری	تعداد	فرد	انحراف استاندارد	درصد واریانس	مقدار t	ارزش ویژه
۱	دانشنامه‌نگاری مایه تفخیم، تحول و پویایی جامعه	۲۷	۳/۲۷	۰/۷۶	۶/۶۹	۱۲/۰۱۱	۹/۱۱
۲	دانشنامه نماد سیر تطور ابعاد اجتماعی مدخل‌ها	۲۷	۳/۱۷	۰/۵۶	۵/۶۶	۱۲/۰۰۹	۸/۱۲
۳	دانشنامه نماد پژوهش‌های انجام‌شده در جامعه	۲۷	۳/۱۴	۰/۶۹	۵/۴۹	۱۱/۰۲۸	۷/۵۳
۴	دانشنامه تحقق‌دهنده آرمان‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی ملی	۲۷	۳/۰۹	۰/۶۳	۴/۳۶	۱۱/۰۰۲	۷/۴۶
۵	دانشنامه حافظ تراث تمدنی در جامعه	۲۷	۳/۰۸	۰/۷۵	۴/۰۶	۱۲/۰۰۸	۷/۱۱
۶	دانشنامه تعمیم‌دهنده دانش از سطح نخبگان به سطح عموم در جامعه	۲۷	۲/۸۳	۰/۴۶	۳/۷۱	۱۰/۸۰۶	۶/۷۱
۷	دانشنامه برآورنده نیاز علمی جامعه	۲۷	۲/۸۰	۰/۷۲	۳/۴۲	۱۰/۰۶۱	۶/۶۲
۸	دانشنامه سمبل مطالعات پدیدارشناسانه و دوری از پرداخت هنجاری در جامعه	۲۷	۲/۷۰	۰/۶۸	۳/۰۴	۹/۰۰۵	۶/۱۶
۹	دانشنامه ارایه‌دهنده آینده‌پژوهی و همگام با جنبه‌های نوآورانه علم در جامعه	۲۷	۲/۶۲	۰/۶۱	۲/۹۸	۸/۱۱	۶/۰۵
۱۰	دانشنامه، تقلیل‌گر و بافت‌زدای دانش در عصر توده‌زدایی ذهن و انفجار اطلاعات	۲۷	۲/۰۹	۰/۵۶	۰/۸۶	۷/۰۰۳	۵/۵۷
۱۱	دانشنامه ارایه‌دهنده خرد جمعی (تعدد مولفان در نگارش مقالات جامع)	۲۷	۱/۸۶	۰/۵۰	۰/۷۷	۶/۹۶	۵/۱۴
۱۲	دانشنامه به‌عنوان ابزار دانش‌شمول سازمانده دانش	۲۷	۱/۷۵	۰/۴۶	۰/۷۰	۶/۸۰۹	۴/۴۱
۱۳	دانشنامه منشأ تولید علم و رسانه‌ای علم آموز	۲۷	۱/۶۸	۰/۴۱	۰/۵۹	۶/۴۹۳	۴/۱۹
۱۴	دانشنامه معرف منابع و رهنمون مسیر پژوهش در جامعه	۲۷	۱/۲۴	۰/۳۷	۰/۵۵	۶/۳۲	۳/۸۳
۱۵	دانشنامه محصول تفاوت نگرش اجتماعی انسان نسبت به پیشینیان	۲۷	۱/۲۰	۰/۳۲	۰/۴۳	۶/۲۳۷	۳/۶۹
۱۶	دانشنامه رسانه‌ای برای مواجهه انتقادی به مطالعات غرض‌ورز در جامعه	۲۷	۱/۱۵	۰/۲۸	۰/۳۶	۵/۶۶۲	۳/۰۷
۱۷	دانشنامه، جدی‌ترین اهتمام پژوهشی، بعنوان پیشکشی قابل اعتنا برای حکما	۲۷	۱/۱۱	۰/۲۰	۰/۲۹	۵/۰۹۲	۲/۸۳
۱۸	دانشنامه نوعی تجلی شیفتگی بشر به دانش خود	۲۷	۱/۰۸	۰/۱۶	۰/۲۲	۵/۰۰۵	۲/۵۲

بمنظور ارزش‌گذاری مولفه‌های حاصله از تحلیل محتوای انجام‌شده، نظرات جامعه‌آماری توسط پرسشنامه گردآوری و حاصلش در جدول ۱ نمایان شده است، درصد واریانس‌ها برای همه مولفه‌های استخراج شده کاملاً مناسب بوده است؛ از اینرو ۱۸ عامل کسب‌شده ارزش‌گذاری شدند. بطورکلی، در تحلیل عاملی اکتشافی، جهت تفسیرپذیری بهتر مولفه‌ها، از دوران استفاده می‌شود که بر این اساس در این تحلیل نیز از دوران مورب<sup>۱</sup> و متعامد<sup>۲</sup> استفاده شده است. شایان‌ذکر است، از آنجاییکه در این پژوهش عامل‌ها با یکدیگر همبستگی و همپوشانی دارند، نمی‌توان مجموع مربعات بارهای عاملی مولفه‌ها را جمع نموده و واریانس کل را محاسبه نمود. بنابراین محاسبه درصد واریانس تبیین‌شده برای هر یک از عامل‌های استخراج‌شده قابل محاسبه بوده است؛ لذا جدول فوق تنها حاوی مقدار ویژه عامل‌های دوران‌یافته بوده که بیشتر از ۱ بوده‌اند. با توجه به این که مقدار  $t$  محاسبه شده برای همه مولفه‌ها معنی‌دار است و دارای مقادیر  $t$  مثبت هستند بنابراین می‌توان گفت به طور معنی‌داری کاربست مولفه‌های اجتماعی حاصله در دانشنامه‌نگاری قابل تأمل و حائز توجه است.

براساس محاسبات آماری مولفه‌های ۱۸ گانه اجتماعی، جهت کاربست و لحاظ‌کردن آنها در زیرساخت نهادهای دانشنامه‌نگاری براساس «ارزش ویژه» تعیین شدند که عبارتند از: «دانشنامه‌نگاری مایه تفخیم، تحول و پویایی جامعه» با ارزش ویژه ۹/۱۱ در بالاترین رده اهمیت و بعد از آن عامل «دانشنامه نماد سیر تطور ابعاد اجتماعی مدخل‌ها» با ۸/۱۲، در رده سوم «دانشنامه نماد پژوهش‌های انجام شده در جامعه» با ارزش ۷/۵۳ و در رده چهارم «دانشنامه تحقق دهنده آرمان‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی ملی» با ارزش ۷/۴۶ قرار دارد. سه عاملی که در انتهای این رده‌بندی قرار گرفتند عبارتند از «دانشنامه رسانه‌ای برای مواجهه انتقادی به مطالعات غرض‌ورز در جامعه» با ارزش ویژه ۳/۰۷، «دانشنامه، جدی‌ترین اهتمام پژوهشی، بعنوان پیشکشی قابل اعتنا برای حکما» با ارزش ۲/۸۳ و در انتها عامل «دانشنامه نوعی تجلی شیفتگی بشر به دانش خود» با ارزش ویژه ۲/۵۳ قرار دارد.

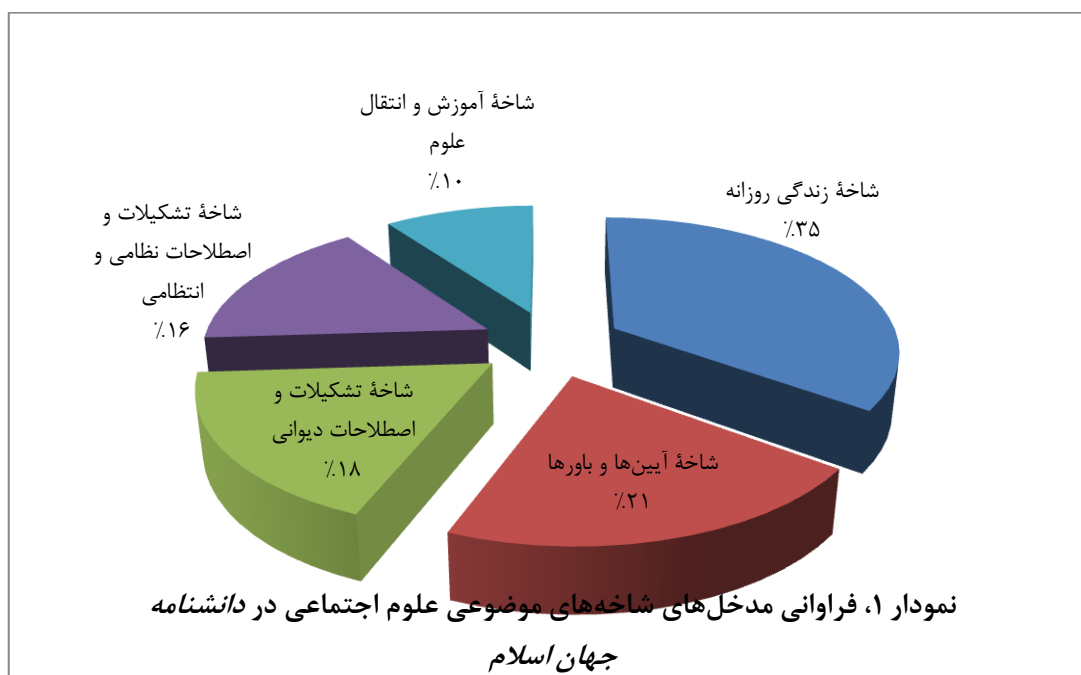
در پاسخ به سوال سوم پژوهش مبنی بر اهمیت و کاربست تأملات اجتماعی در *دانشنامه جهان اسلام* به چه صورت است؟ این موارد قابل ذکر است:

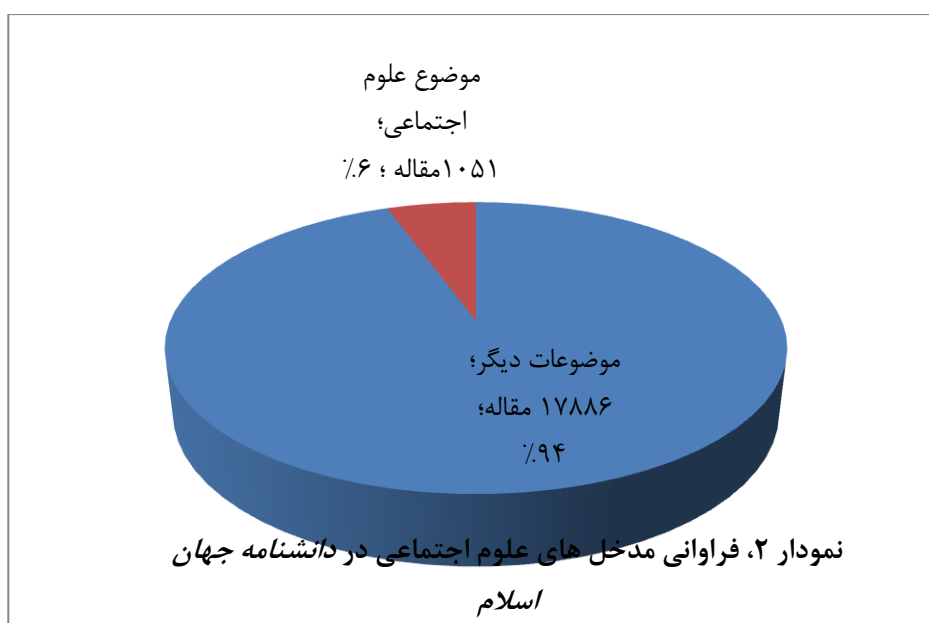
در مدخل‌گزینی برای تدوین *دانشنامه جهان اسلام* از ابتدا مقوله‌های علوم اجتماعی خاصه «تاریخ اجتماعی» به صورت مستقل در نظر گرفته نشده بود و مدخل‌های این حوزه ذیل مدخل‌های رشته‌های دیگر از جمله «مردم‌شناسی» یا «تاریخ فرهنگ و تمدن» تنظیم شده بود. ولی با گذشت زمان و روشن شدن اهمیت موضوعی آن، مدخل‌گزینی و تألیف مقاله‌های این

<sup>۱</sup> promax  
<sup>۲</sup> varimax

حوزه تخصصی آغاز شد. در نگارش این مدخل‌ها دیگر صرفاً ابعاد «فولکلوریک یا مردم‌شناسی فرهنگی» یا ابعاد «تاریخ تمدنی» مد نظر نیست بلکه این دو بُعد فقط بخشی از رویکرد محققان تاریخ اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

در تالیف مقالات دانشنامه‌ای به روش تاریخ اجتماعی، اصل بر استخراج حداکثر داده‌ها برای بازسازی یک الگوی از روابطی است که حول آن موضوع در تاریخ فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته بوده‌است. حیثیت و اهمیت هر مدخل در این شیوه، نه بر اساس نقش مفروض آن در ابعاد تمدنی یا یادکردهای آن در ذهن و زبان نخبگان بلکه بر اساس نقش‌مندی آنها در تولید شبکه‌ای از روابط اجتماعی بویژه با تکیه بیشتر بر داده‌هایی است که از ذهن و زبان مردم و جامعه برمی‌آید. لذا در نگارش مدخل‌های این حوزه نقش و کارکرد اجتماعی آنها و بازشناسی شبکه روابط اجتماعی مورد توجه است. بسیاری از مدخل‌های این گروه نخستین بار است که موضوع پژوهش دایره‌المعارفی قرار می‌گیرند و اساساً برخی از مقالات این گروه حتی در مجلات و منابع دایره‌المعارفی داخلی و خارجی نیز نمونه مشابه ندارند (برگرفته از سایت بنیاد دایره‌المعارف اسلامی). در ادامه به برخی از داده‌های آماری موضوع علوم اجتماعی در دانشنامه جهان اسلام اشاره می‌شود:





گروه تاریخ اجتماعی دانشنامه جهان اسلام، اولین و تاکنون تنها گروه تخصصی (خاصه تاریخ اجتماعی جهان اسلام) در مراکز آموزشی و پژوهشی ایران است؛ فراوانی مدخل های گروه مذکور براساس نمودار ۱، در پنج شاخه موضوعی عبارت اند از: «زندگی روزانه» با ۳۵ درصد، «آیین ها و باورها» با ۲۱ درصد، «تشکیلات و اصطلاحات دیوانی» با ۱۸ درصد، «تشکیلات و اصطلاحات نظامی و انتظامی» با ۱۶ درصد و «آموزش و انتقال علوم» با ۱۰ درصد موجودی.

مدخل ها و مقالات دانشنامه جهان اسلام مرکب از شانزده شاخه موضوعی است که هر یک توسط گروه علمی مربوطه تا پایان کار تدوین دانشنامه جهان اسلام تألیف می شود. این موضوعات عبارتند از: عرفان، فلسفه، تاریخ اسلام، ادبیات و زبان ها، تاریخ علم، کلام و فرق، قرآن و حدیث، فقه و حقوق، تاریخ اجتماعی، هنر و معماری، اسلام معاصر، شبه قاره و جنوب شرق آسیا، مطالعات غرب جهان اسلام، آسیای صغیر و بالکان، جغرافیا و تاریخ. در این میان (براساس نمودار ۲) موضوع تاریخ اجتماعی متشکل از ۱۰۵۱ مدخل و مقاله است که ۶ درصد از کل مدخل های دانشنامه جهان اسلام (به تعداد ۱۸۹۳۵ مدخل) را شامل می شود. ارزش برخی از مقالات و مدخل های تاریخ اجتماعی که نخستین بار در دانشنامه جهان اسلام موضوع پژوهش قرار گرفتند به این صورت نمود پیدا کرده است که ۸ مقاله اول پر بازدید توسط مخاطبان اینترنتی جزو مدخل های تاریخ اجتماعی است که کم و کیف آن در جدول ۲، معلوم است.

جدول ۲. بسامد واژه ها و مدخل های جستجو شده دانشنامه جهان اسلام توسط مخاطبان به روایت سایت الکسا<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> تحلیل و بررسی سایت های مورد بحث بر اساس داده های سایت الکسا در تاریخ ۹۹/۳/۱۲ است. شایان ذکر است مخاطبان همان جمعیت اینترنتی و یا کاربرانی هستند که تعداد، تنوع، جنس، اهداف و سایر مشخصاتشان در واحد زمان یکسان نبوده و در هر لحظه به صورت شناور و متغیر هستند.

ردیف	واژه جستجو شده	نویسنده	درصد ترافیک جستجو
۱	چشم زخم	فریدون عبدلی فرد	۵/۰۲
۲	چاپار	ابراهیم موسی پور	۴/۸۸
۳	رعیت	نگار ذیلابی	۴/۳۸
۴	روحانیت	ابراهیم موسی پور	۳/۷۹
۵	خرافات	ابراهیم موسی پور	۳/۵۱
۶	چای	شمامه محمدی فر، محمد میرشکرایی و ابراهیم موسی پور	۳/۴۷
۷	رقص	امین مهربانی؛ حمید احمدی جلفایی	۲/۴۶
۸	روبند	ابراهیم موسی پور	۱/۴۱

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲، در بین کلید واژه‌هایی که مخاطبان در اینترنت جستجو کردند و گوگل آنها را به سایت دانشنامه جهان اسلام ارجاع داده، هشت نتایج اول متعلق به مقالات حوزه تاریخ اجتماعی است. به عبارت دیگر پر بازدیدترین مقاله «مدخل چشم زخم» با ۵/۰۲ درصد حجم ترافیک جستجو است و مقالات «چاپار»، «رعیت»، «روحانیت»، «خرافات»، «چای»، «رقص» و «روبند» بترتیب با حجم ترافیک جستجوی ۴/۸۸، ۴/۳۸، ۳/۷۹، ۳/۵۱، ۳/۴۷، ۲/۴۶ و ۱/۴۱ در مراتب بعدی قرار دارند.

#### نتیجه:

به طور کلی تولید دانشنامه در جوامع نشان‌دهنده غنای فرهنگی و تمدن اجتماعی است. زیرا هدف دانشنامه بازنمایی دانش موجود در جامعه است نه اکتشاف دانش جدید. جدای از تأثیر عوامل جامعه‌شناختی در شکل‌گیری دانشنامه‌ها، سیر طبیعی رو به کمال آنها و اهتمام عالمان در تلخیص و تکمیل مطالعات پیشین، از علل مهم شکل‌گیری این آثار مرجع در جامعه به‌شمار می‌آیند. دانشنامه به عنوان تبلور بی‌طرفی در بین رسانه‌ها و ابزارکننده حقایق، در برهه‌ای منعکس‌کننده مواج‌ها انتقادی و ابرازکننده نگرش‌های متفاوت جامعه نسبت به مطالعات پیشین نیز می‌باشد. کثرت منابع، توسعه علوم تخصصی و به تبع آن الزام تألیف دانشنامه‌های تخصصی، همگی از عوامل اجتماعی شکل‌گیری دانشنامه محسوب می‌شوند. ثابت‌نبودن معنا در جامعه، توده‌زدایی، مخاطب‌محوری، کارکردگرایی، دسترسی آزاد به دانش و کاستن از هدررفت زمان در دسترسی به دانش کاملاً در آیینه دانشنامه‌های جدید مشهود است، الگوی ویکی‌پدیایی نماد ثابت‌نبودن معنا در عصر حاضر و قابلیت به‌روز رسانی آنی و قابل‌اعمال

<sup>۱</sup> Alexa بزرگ‌ترین سایت رتبه‌سنجی جهان که به صورت هوشمندانه بدون دخالت انسان گزارش‌ها و اطلاعات دقیقی در واحد زمان از هر وب‌سایتی را آریه می‌دهد.

در «شکل برگه‌های از هم جدا»<sup>۱</sup> و دارای پویایی است لذا ظهور فن‌آوری جدید در جامعه نیز در شکل‌گیری دانشنامه بی‌تأثیر نبوده‌است و موجب ظهور این آثار مرجع و انتشارشان در اجتماع مجازی شده‌است.

پژوهش حاضر نشان‌گر تأثیرپذیری و ارتباط دوسویه «جامعه» و «دانشنامه» بوده‌است لذا با هدف تعیین مولفه‌های اجتماعی و کاربست آنها در مراحل تولید دانشنامه‌ها، غنا، بالندگی و تأثیر متقابل این دو متغیر یعنی «جامعه» و «دانشنامه» را مدنظر دارد. کما اینکه نتایج ثابت کرد اگر به مولفه‌های علوم اجتماعی در سازمان‌های دانشنامه‌نگاری بها داده شود، مدخل‌ها و مقالات این حوزه می‌تواند در بالاترین رده نتایج جستجوی مخاطبان قرارگیرند. در انتها، عوامل و انگیزه‌های دانشنامه‌نگاری هر چه باشد و با هر هدف (علمی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و ...) وجودشان مفید و ضروری است چراکه دانشنامه‌ها موجب جمعیت ذهن از پریشانی در رویارویی با انبوه منابع و اطلاعات موجود در جامعه می‌شود. چرا که مواجهه با معلومات بی‌شمار و تلخیص نشده همچون پرسه زدن در میان انبوه منابع سازمان‌نیافته می‌ماند.

## منابع

### فارسی

- ابن خلدون (۱۳۸۴). مقدمه *ابن خلدون*، تصحیح علی عبدالواحد وافی، قاهره: لجنه البیان العربی.
- احمدوند، عباس (۱۳۷۷). «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، مقالات و بررسیها، شماره ۶۳.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱). *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آخشیک، سمیه سادات (۱۳۸۹). جستاری در دانشنامه نویسی ایران: فقر مبانی نظری، همایش سراسری دانشنامه نویسی در *ایران (گذشته، حال و آینده)* تهران: بنیاد دانشنامه نگاری ایران.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۹). *نشر و انقلابی در راه: همراه با گفتاری چند در زمینه دانشنامه نگاری و ویرایش*. تهران: موسسه فرهنگی و هنری جهان کتاب.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۷). تأثیر تکنولوژی اطلاعات در دایره‌المعارف‌نگاری، *کتاب ماه کلیات*، ۱۲ (آذر).
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۲). *در قلمرو نشر، ویرایش و دانشنامه نگاری*. تهران: ققنوس.

پاکتچی، احمد (۱۳۹۷). دایره‌المعارف‌نویسی در ایران در گفت‌وگو با احمد پاکتچی، *روزنامه اعتماد*، شماره ۴۲۸۴، چهارشنبه ۲۶ دی.

تافلر، الوین (۱۳۸۵). *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر علم.

حدادعادل، غلامعلی (۱۳۸۲). مقاله‌ها و گزارش‌ها: میزگرد نقد و بررسی *دانشنامه جهان اسلام*، کتاب‌های اسلامی، ۱۳ (تابستان).

حرّی، عباس (۱۳۷۵). دایره‌المعارف‌ها جلوه‌گاه جهان‌بینی جوامع‌اند، *کیهان فرهنگی*، ۱۲۷، (خرداد و تیر ۱۳۷۵).

حرّی، عباس (۱۳۷۷). «انتقال تجربه‌ها در دایره‌المعارف‌نگاری ایران معاصر»، *کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۲.

*دانشنامه جهان اسلام* (۱۳۹۱) / زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ذیل مدخل *دانشنامه‌نگاری*، ج ۱۷.

رودگر، قنبرعلی (۱۳۸۵). «رواج موسوعه نویسی در عصر ممالیک»، *معارف*، دوره ۲۲، شماره ۳، اسفند.

سیدعرب، حسن (۱۳۹۰). «یادداشتی درباره دایره‌المعارف‌ها»، *بخارا*، سال ۱۴، شماره ۵۸، بهمن و اسفند.

طارمی‌راد، حسن (۱۳۸۴). دایره‌المعارف‌نویسی در ایران و جهان: گفتگو با حسن طارمی‌راد، *معارف عقلی*، پیش‌شماره ۲ (پاییز).

طارمی‌راد، حسن (۱۳۷۷). «دلایل کندی نشر دایره‌المعارف در ایران»، *کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۲، آذر.

عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۰). «چرا دایره‌المعارف»، *مجله کنسرسیوم محتوای ملی*، تابستان.

فانی، کامران؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ یوسفی‌اشکوری، حسن (۱۳۷۵). «دایره‌المعارف‌نویسی، و مشکلات آن: گفتگو با کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی و حسن یوسفی‌اشکوری». *کیهان فرهنگی*، شماره ۱۲۷، خرداد و تیر.

قاسملو، فرید (۱۳۸۲). «میزگرد دانشنامه‌نویسی در ایران لزوم بحث‌های نظری»، *کتاب ماه کلیات*، دی و بهمن.

قاسملو، فرید (۱۳۸۴). «دانشنامه و دانشنامه‌نگاری در ایران، گذشته، حال و آینده». *فصلنامه بیمه و توسعه*، شماره ۱.

مقدسی، مهناز (۱۳۸۳). «دانشنامه‌نگاری نشانه تحول فرهنگی در جامعه»، *کتاب ماه کلیات*، دی و بهمن.

## انگلیسی

Bown, Stuart, ed. (۱۹۹۶). *British Philosophy and the Age of Enlightenment*, (Rutledge History of Philosophy, London and New York: Rutledge.

Fallis, Don (۲۰۰۸). "Toward an epistemology of Wikipedia", *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, august, ۵۹(۱۰).

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

<https://rch.ac.ir/>



Iqbal, Muzaffar (۲۰۱۱). Who Speaks for Whom: Authority, Tradition and Encyclopedias of Islam, *Islam & Science*, vol. ۹ (Summer ۲۰۱۱) no, ۱.

Rosenthal, Franz (۱۹۴۷), *the Technique and Approach of Muslim Scholarship*, Rome: Pontificium Biblicum.

*The Encyclopedia of Islam* Leiden: E.J. Brill, ۱۹۸۶- ۲۰۰۴, V.۶.

Van Ess, Josef (۲۰۰۶). Encyclopedic Activities in the Islamic World: A Few Questions, and No Answers, in *Organizing Knowledge: Encyclopedic Activities in the Pre-Eighteenth Century Islamic World*, Edited By Gerhard Endress, Brill Leiden.

www.alexa.com

## Analysis of the social components of encyclopedia in Iran and its application in the encyclopedia of the Islamic world

### Abstract

The purpose of this study is to analyze and evaluate the social components of encyclopedia in Iran and its case study in the *encyclopedia of the Islamic world*.

In the present research, the combined method (qualitative and quantitative) is used; In the qualitative section, by analyzing the content of related texts, effective social factors were collected in the encyclopedia compilation and in the quantitative section, the components were evaluated, evaluated and prioritized based on the opinions of ۲۷ experts in the field of encyclopedia. The data analysis tool in the qualitative part is the software of "Max. Q.D.A" and in the quantitative part is the "SPSS" software.

The findings of the study led to the presentation of ۱۸ social components in the production of encyclopedias that were evaluated and prioritized based on the opinions of experts. Attention to the subject of social sciences (especially the social history of Muslims) and its application in the production of the *encyclopedia of the Islamic world* led to the production of new articles on this subject so that ۱۵۰۶ entries equivalent to ۶٪ of the entries of the *encyclopedia of the Islamic world* belong to this topic, so that these entries were among the top ۸ search results of the audience.

The results of the research indicate that in general, the emergence of encyclopedias indicates the supply and demand of science in society, which ultimately leads to scientific-cultural developments. The existence of research systems in society can pave the way for the production of encyclopedias. Ideological factors, critical encounters with previous studies, differences in views and approaches in society are among the social factors influencing the production of encyclopedias. In the last century, the emergence of specializations and the increase of society's curiosity about new phenomena have led to the emergence of encyclopedias.

Keywords: Encyclopedia, Social Sciences, Encyclopedia compilation, Entry